

در بزرگداشت حسین ناصحی

که از مرگ او اطلاعی نیافتند. حتی روزنامه‌های خبرساز هم از او نامی نبردند.

بارتوک، پیش از مرگش، گفته بود: «اکنون که باید بروم، تنها چیزی که آزارم می‌دهد حمل این صندوق‌های پر است». و مقصودش از این صندوق‌های پر، نوشته‌ها و ساخته‌های ناتمامش بود. در حدود سی سال پیش، حسین ناصحی، یکی از درخشان‌ترین شاگردان کنسرواتوار آنکارا به تهران باز می‌گردد و در هنرستان عالی موسیقی به تدریس آهنگسازی می‌پردازد. اما نگاه پر شورش به موسیقی ایران است.

دنبال آن می‌رود و در جستجوی استادان موسیقی، صبا را می‌یابد و شیفته شخصیت و «جوانمردی» او می‌شود. به یاری این استاد است که موسیقی ایران «ورتم های لئک» را در موسیقی محلی مطالعه می‌کند و سعی دارد بر اساس تحقیقاتی که در مورد «هارمونی دستگاهها» و به ویژه دستگاه شور انجام داده است، آهنگ‌هایی بسازد.

این شور و پژوهش و سازندگی چندین سال ادامه دارد تا آنکه «تیرگی»، آسمان این سرزمین را می‌پوشاند. و چیزی در دل ناصحی می‌بزمرد. او که این آسمان را دوست داشت و به نفس‌های مردم‌دل بسته بود، ناگهان در خود فرو رفت. اما هیچگاه تن در نداد. و همین تن در ندادن‌ها که در آن روزگار پژواکی نداشت، جان او را خسته کرد.

ناله‌های آخر زندگی‌اش در تنهایی مطلق گذشت. بنا به گفته نسرین ناصحی، در شهوار خانهای اجاره کرده بود و امید داشت تا آخر عمر در مازندران بسر برد و با موسیقی و طبیعت آنجا عجین شود. اما سرنوشت او را به تهران بازگردانید و در سکوت این شهر بدرود حیات گفت.

پاس او را داشته باشیم
فریده رهنما

حسین ناصحی را باید بحق یکی از نخستین آهنگ‌سازان ایرانی دانست که با داشتن بسیار از موسیقی غرب، در زمینه جمع‌آوری و بررسی موسیقی ایران تلاش فراوان کرد. از این رو با اطمینان می‌توان گفت که در واقع کار «اتنوموزیکولوژی» در ایران با حسین ناصحی آغاز گردید و به همین علت تمام کسانی که دست‌اندرکار موسیقی ایران هستند هرگز این شخصیت بزرگ موسیقی را فراموش نخواهند کرد.

دکتر محمد تقی مسعودیه

پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع

«ناصری؟ حسین ناصحی را می‌گویند بمرد».
و در برابر سکوت من، دکتر مسعودیه با لحن آندوهگین ادامه داد: «سرنوشت ما هم همین خواهد بود».

ولی من باورم نمی‌شد که سرنوشت، ناصحی را از موسیقی این سرزمین جدا کند و آب از آب تکان نخورد.

سکوت در برابر مرگ آهنگساز که بیش از ۲۵ سال برای موسیقی این آب و خاک کار کرده است و حق انکارناپذیر برگردن آن دارد، سکوتی است نابخشودنی. و اما بسیاری چیزها را روشن می‌کند. ناصحی بهمان شکل از این جهان رفت که بارتوک.

اما اگر برای مرگ بارتوک در آمریکا تشییع جنازه‌ای نشد، دست‌کم ادگار و ارز که یکی از پایه‌گذاران موسیقی معاصر بود و روسن رولان در چهره او «ژان کریستف» را می‌دید، او را تا گورستان بدرقه کرد.

حسین ناصحی تنها رفت و چه با دست اندرکاران موسیقی

زندگی نامه کوتاه و نظریات ناصحی

نمونه‌هایی از آثار ناصحی

- ۱ - کوارتت‌زهی در می‌مینور .
 - ۲ - پوئم «در شور» برای ویلونسل و پیانو که کاریتان نوازنده معروف ویلن سال در کنسرت خود اجرا نمود .
 - ۳ - آواز بی‌گفتار برای ارکستر که توسط ارکستر هنرستان عالی موسیقی به رهبری ناصحی اجرا گردید .
 - ۴ - دو قطعه رقص تحت عنوان «در بارگاه سنگان» برای آواز و ارکستر .
- بعمل نبودن وسیله اجرا ، ناصحی مجبور شد این دو قطعه را یکبار برای کوارتت و یکبار نیز برای آواز و پیانو تنظیم نماید . قسمت تنظیم شده برای کوارتت توسط کوارتت «ولاخ» (گروه چکسلواکی) و قسمت تنظیمی آواز و پیانو در یکی از برنامه‌های آواز خانم اولین باغچه‌بان اجرا گردید .
- ۵ - اوور تور «رستم و سهراب»
 - ۶ - تعدادی آهنگهای تنظیمی به سفارش اداره هنرهای زیبا در زمینه موسیقی ایران .
 - ۷ - قطعه‌هایی برای پیانو از جمله : «هفت تکریم نون نداریم ، اله کریم ، اله کریم» .
 - ۸ - سرود برای نقت و غیره
- و

حسین ناصحی در سال ۱۳۰۴ در تهران دنیا آمد . مادرش که تار می‌نواخت و از شاگردان درویش‌خان بود ، در پرورش ذوق موسیقی او سهم بسزائی داشته است . پس از تحصیلات ابتدائی ، ناصحی وارد هنرستان عالی موسیقی میشود و زیر نظر «اسلادک» و دیگر استادان چاک ، اصول موسیقی را فرا می‌گیرد . پیشرفت او در نواختن ساز «ترومبون» بحدی است که پس از مدتی کوتاه ، آثار آهنگسازان بزرگ را در ارکستر رادیو اجرامی کند . در سن ۱۸ سالگی بنا به دعوت دولت ترکیه ، عازم آنکارا میشود و در کنسرواتوار آنجا ، دوره‌عالی آهنگسازی را زیر نظر «نجیل کاظم‌اکس» با موفقیت به پایان می‌رساند . نجیل کاظم‌اکس یکی از آهنگسازانی است که در زمینه گردآوری موسیقی محلی با بارتوک همکاری داشته و او را در سفر تحقیقاتی‌اش در ترکیه همراهی کرده است .

ناصرحی در سال ۱۳۲۸ به میهن خود بازمی‌گردد و از همان زمان به تدریس رشته آهنگسازی و هم چنین هارمونی ، کنتر و پوان و فوک می‌پردازد . در آن زمان ، ناصحی و باغچه‌بان از نخستین آهنگسازانی بودند که این رشته را در هنرستان عالی موسیقی تدریس می‌کردند . ناصحی در باره اهمیت تدریس آهنگسازی در ایران می‌نویسد : «از زمانی که به ایران برگشتم چون میدانستم که اگر کمپوزیتور نداشته باشیم ، در زمینه فعالیت‌های هنر موسیقی ، اقدام اساسی میسر نخواهد بود ، از همان روزهای اول شروع به تدریس و تربیت عده‌ای از علاقمندان به رشته کمپوزیسیون نمودم و بیشتر وقت خود را به انجام این منظور اختصاص دادم» .

اما با اینهمه ناصحی به فعالیت خود در زمینه تحقیق موسیقی ایران نیز ادامه میدهد به نقاط مختلف ایران می‌رود و آهنگ‌های بلوچستان ، سیستان ، گرگان و کردستان را مطالعه می‌کند و برای نخستین بار یک تحلیل جدی از این آهنگ‌ها انجام می‌گیرد .

در این باره می‌نویسد : «بعضی اوقات در تحقیق انواع ریتم‌های شش هشتم ، شکل‌های خاصی بر می‌خوریم که در اصل نمی‌توان آنها را شش هشتم دانست اما چون نوازندگان شهری منحصراً بچند نوع محدود و مشخص شش هشتم آشنائی دارند آنها را نیز با همین ریتم احساس و اجرا می‌کنند . این ریتم‌ها را اصطلاحاً میتوان «ریتم لنگ» نام نهاد ، همانطور که یک مرد لنگ مانند انسان سالم قادر نیست قدمهای خود را در فاصله‌های مساوی زمان بردارد ، خصوصیت ریتم‌های لنگ نیز از همین اصل پیروی می‌کند . در عین حال مرد لنگ در حین راه رفتن خود ، همین ریتم‌های مساوی را تکرار می‌کند و در نتیجه قالبهای یک شکل نامساوی را بوجود می‌آورد . به همین ترتیب در ریتم لنگ نیز قالبهای نامساوی با یکدیگر شبیه هستند .

افزون بر کار تدریس و تحقیق در باره موسیقی ایران ، ناصحی آثار متعددی ساخته است که توسط ارکسترها و نوازندگان برجسته و اغلب به رهبری خود او اجرا شده است .

امید است به یاری دوستان ناصحی ، آثار کامل این آهنگساز بزرگ که سال گذشته در سن ۵۴ سالگی در گذشت ، تنظیم و معرفی گردد .

